

تجارب

محمد طباطبائی

شانزده گفتار

در واژه‌سازی و زبان فارسی و فرهنگ نویسی

گردآورده

احمد خندان

شانزده گفتار

در

واژه‌سازی و زبان فارسی و فرهنگ‌نویسی

به مناسبت سی‌امین سال درگذشت
دکتر محمد طباطبایی

(۱۳۶۸ - ۱۳۲۰)

محمد طباطبایی

شانزده گفتار
در
واژه‌سازی و زبان فارسی و فرهنگ‌نویسی

گردآورده
احمد خندان

تجرب

تهران، ۱۳۹۸

سرشناسه:	طبایطی، محمد، ۱۳۲۰-۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور:	شانزده گفتار در واژه‌سازی و زبان فارسی و فرهنگ‌نویسی / [محمد طبایطی]
مشخصات نشر:	تهران: کتاب بهار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	هجده، ۲۷۰ ص.
فروست:	مجموعه زبان فارسی؛ ۱.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۰۹-۲-۱
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتاب حاضر گردآوری مجموعه‌ای از مقالات، نوشتارها، گفتارها، و ترجمه‌های محمد طبایطی است.
موضوع:	فارسی — اشتقاق
موضوع:	فارسی — واژه‌نامه‌نویسی
موضوع:	زبان‌شناسی
شناسه افزوده:	خندان، احمد، ۱۳۴۷-، گردآورنده
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۴ آش ۲ ط / PIR۲۷۴۹
رده‌بندی دیویی:	۴ فا ۵
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۴۰۳۴۷۶۰

کتاب

تهران: خیابان بهار، کوچه حمید صدیق، شماره ۲۵، واحد ۶ (تلفن: ۷۷ ۵۲ ۴۷ ۸۱)
 لواسان: خیابان معلم، شماره ۳۷ (تلفن: ۲۶ ۵۴ ۸۲ ۷۸)

محمد طبایطی

شانزده گفتار در واژه‌سازی و زبان فارسی و فرهنگ‌نویسی

گردآورده احمد خندان

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰

حروفچینی: شبستری

طراحی جلد: پاشا دارابی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

کتاب بهار @ Ketabe_Bahar, 0912 122 6008, ketabebaharpub94@gmail.com

مرکز پخش: پیام امروز (۶۶۴۸۶۵۳۵)

فهرست

پیش‌گفتار	هفت
دکتر محمد طباطبایی: زندگی و آثار	نه
به یاد پدر	پانزده
اختصارات	هفده

بخش اول: واژه‌سازی و واژه‌گزینی

ترجمه کلمات از زبانی به زبان دیگر	۳
بررسی واژه‌های فرهنگستان	۷
ترجمه لغات علمی	۱۱
تصریف در زبان‌های لاتین و یونانی	۱۵
نکات و پیشنهاداتی در مورد ترجمه واژه‌های پزشکی	۳۱
روش‌های مقابله زبان فارسی با واژه‌های علمی	۸۱

بخش دوم: زبان فارسی و زبان‌شناسی

فرایند اتباع با تکیه روی اتباع در زبان فارسی	۱۲۳
کارنامه ده‌ساله مکتب پراگ (ویلیم ماتیوس)	۱۳۹
دوزبان‌گونه‌گی در زبان فارسی (اوام، چرمیاس)	۱۵۵
زبان و زبان‌شناسی	۱۷۹

بخش سوم: بررسی و نقد فرهنگ‌های فارسی

فرهنگ علمی و فنی	۱۸۹
فرهنگ کامل انگلیسی-فارسی	۱۹۵
فرهنگ لغات و اصطلاحات روان‌پزشکی و روان‌شناسی	۲۰۱
بررسی و نقد واژه‌نامهٔ شیمی	۲۰۳
غنای کوشش و فقر روش در فرهنگ‌نویسی	۲۱۳
واژگانی با «ویراستار» ولی ناویراسته	۲۳۹

پیش‌گفتار

شانزده گفتار در واژه‌سازی و زبان فارسی و فرهنگ‌نویسی مجموعه‌ای از مقالات، نوشتارها، گفتارها، و ترجمه‌های زنده‌یاد دکتر محمد طباطبایی (۱۳۶۸-۱۳۲۰)، زبان‌شناس، مترجم، و فرهنگ‌نویس، است که از ۱۳۴۵ تا پایان عمر او در نشریات و کتاب‌ها و مجموعه‌های مختلف منتشر شده است. چنانکه از فهرست مندرجات کتاب برمی‌آید، زمینه‌کاری شادروان طباطبایی بیشتر واژه‌سازی و واژه‌گزینی، زبان فارسی و زبان‌شناسی، و نیز فرهنگ‌نویسی و نقد و بررسی فرهنگ‌ها بوده است. البته ترجمه چند مقاله در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز از وی برجای مانده است که فهرست آنها را در ادامه به دست داده‌ایم.

گفتارهای این کتاب در سه بخش به شرح زیر تدوین شده است:

بخش اول: واژه‌سازی و واژه‌گزینی

این بخش شامل شش گفتار است که به ترتیب تاریخ انتشار آمده‌اند. در سه مقاله اول، که یادگار دوران دانشجویی دکتر طباطبایی است، نویسنده به اختصار درباره روش‌های ترجمه کلمات از زبانی به زبان دیگر توضیح می‌دهد و ضمناً به بررسی برخی از واژه‌های ساخته فرهنگستان ایران (فرهنگستان اول) می‌پردازد. در دو گفتار بعد، که به صورت پیوست جلد اول فرهنگ اصطلاحات پزشکی (تهران، ۱۳۵۱) منتشر شده، به تفصیل درباره تصریف در زبان‌های لاتین و یونانی و نیز شناخت اجزای واژه‌های علمی و نحوه معادل‌سازی برای آنها در زبان فارسی — از طریق پسوندها و پیشوندها — بحث کرده و سرانجام، در آخرین مقاله این بخش، آخرین یافته‌های خود را در مورد روش‌های مقابله زبان فارسی با واژه‌های علمی به دست داده است.

بخش دوم: زبان فارسی و زبان‌شناسی

در اولین مقاله این بخش، فرایند اتباع در زبان فارسی با نگاهی زبان‌شناختی و در مقاله بعد، به قلم یکی از پایه‌گذاران مکتب پراگ، کارنامه و فعالیت‌های ده‌ساله اول این مکتب بررسی و در سومین مقاله یکی از مسائل زبان‌شناختی، دوزبان‌گونه‌گی، در زبان فارسی تحلیل شده است.

طباطبایی در آخرین مقاله به بررسی و نقد ترجمه فارسی کتاب زبان و زبان‌شناسی تألیف کوندرا توف، زبان‌شناس روسی، پرداخته است.

بخش سوم: بررسی و نقد فرهنگ‌های فارسی

در این بخش، نویسنده به بررسی و نقد شش فرهنگ عمومی و تخصصی منتشرشده در زبان فارسی پرداخته است. از میان این نقدها، به‌ویژه، باید به سه نقد پایانی اشاره کرد که حاصل تحقیقات جدی و موşkافانه زنده‌یاد طباطبایی است و در آن به تفصیل به سه نوع فرهنگ پرداخته شده است. در «بررسی و نقد واژه‌نامه شیمی» یک «واژه‌نامه» بررسی شده است. «واژه‌نامه» فرهنگی است که در آن فقط معادل‌های واژه‌ها و اصطلاحات یک زبان در زبان دیگر داده می‌شود. در «غناي کوشش و فقر روش در فرهنگ‌نویسی» فرهنگی توصیفی بررسی شده که در آن تعریف و اطلاعات دیگری درباره اصطلاحات و واژه‌ها در یک زبان به دست داده می‌شود و سرانجام در آخرین مقاله، «واژگانی با ویراستار ولی ناویراسته»، یک «واژگان» نقد شده است. «واژگان» فرهنگی است که در آن مجموعه‌ای از معادل‌های واژه‌ها و اصطلاحات یک زبان در زبان دیگر و معمولاً با ذکر منابع معادل‌ها به دست داده می‌شود. این سه نقد الگوی ناب نقد و بررسی فرهنگ‌های تخصصی و راهنمای مفیدی برای فرهنگ‌نویسان تخصصی است.

رسم‌الخط این مقالات عمدتاً براساس دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی یک‌دست و به شیوه امروزی نقطه‌گذاری و اغلاط چاپی مقالات نیز در حد امکان اصلاح شده است. ضمناً، در چند مورد نکاتی در حاشیه افزوده شده که با حرف گ (=گردآورنده) مشخص شده است.

سپاسگزاری

در بازخوانی و چاپ این مقالات از همراهی و همکاری استادان و دوستانم برخوردار بوده‌ام. از راهنمایی‌های استاد علی صلح‌جو و دکتر امید طبیب‌زاده صمیمانه سپاسگزارم. نیز از دوستان عزیزم، آقای مهندس وحید کریمی و آقای محمد مهدی مرزی، به خاطر کمک‌هایشان تشکر می‌کنم. از آقای پدرام طباطبایی، فرزند دکتر طباطبایی، نیز که اطلاعات زیادی در مورد زندگی و آثار پدر در اختیارم گذاشت سپاسگزارم.

احمد خندان

تهران، شهریور ۱۳۹۴

دکتر محمد طباطبایی: زندگی و آثار

محمد طباطبایی در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۰ در بهبهان متولد شد. دوره ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و اهواز گذراند. در ۱۳۴۵ از دانشگاه تهران لیسانس زبان انگلیسی و در ۱۳۴۹ در رشته علوم اداری از همین دانشگاه با رساله «بررسی سیستم‌های طبقه‌بندی و ارزیابی مشاغل و طرح طبقه‌بندی و ارزیابی مشاغل در شرکت‌های آب و برق منطقه‌ای» فوق‌لیسانس گرفت.

از ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۸، به صورت همزمان، به ترجمه متون فنی در وزارت علوم و آموزش عالی (وقت) و پژوهش در ریشه‌یابی اصطلاحات علمی انگلیسی در فرهنگستان زبان ایران اشتغال داشت. از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۱ نیز به کار اداری، کارآموزی و سپس کارشناسی ارشد طبقه‌بندی مشاغل در سازمان آب منطقه‌ای تهران پرداخت. از ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳، در مدرسه عالی مدیریت گیلان در لاهیجان، با سمت استادیاری، تدریس دروس طبقه‌بندی و ارزیابی مشاغل و متون انگلیسی تخصصی مدیریت را بر عهده داشت.

سپس از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ در دانشگاه‌های منچستر و ردینگ در دوره فوق‌لیسانس رشته زبان‌شناسی تحصیل کرد.

پس از بازگشت به ایران از ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ در دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تربیتی، و علوم دانشگاه تبریز با سمت مربی به تدریس قرائت متون انگلیسی، بررسی ترجمه‌های متون اسلامی، ترجمه متون، نثر پیشرفته، زبان‌شناسی همگانی، و نیز متون تخصصی زیست‌شناسی، ریاضی، شیمی، و روان‌شناسی پرداخت.

در ۱۳۵۷ برای ادامه تحصیل عازم امریکا شد و در خرداد ۱۳۶۱ دکتری خود را در رشته زبان‌شناسی کاربردی، با رساله «بررسی زبان‌شناختی لغات دخیل فرانسه در فارسی معاصر» و درجه ممتاز از دانشگاه جرج تاون گرفت.

از شهریور ۱۳۶۱ تا خرداد ۱۳۶۲ سرپرست گروه زبان‌های خارجی در مرکز نشر دانشگاهی و از خرداد ۱۳۶۱ استادیار زبان‌شناسی در گروه زبان انگلیسی در دانشگاه تبریز و در ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ عضو شورای اجرایی گروه زبان انگلیسی و نیز هیئت تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز بود.

از ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ نیز در دانشگاه‌های کرمان، سنندج، و اهواز به تدریس زبان انگلیسی و زبان‌شناسی پرداخت و آخرین سال عمر خود را نیز در زادگاهش به تحقیق و جمع‌آوری یادداشت‌هایش گذرانیید.

وی به زبان انگلیسی مسلط و با زبان‌های فرانسه، روسی، آلمانی، عربی، یونانی، و لاتینی آشنا بود. دکتر محمدرضا باطنی، زبان‌شناس و فرهنگ‌نویس، در مقدمه‌ای بر آخرین اثر طباطبایی درباره او می‌نویسد:

«... زنده‌یاد دکتر محمد طباطبایی... آنچنان شیفته کار بود، آنچنان سخت و بی‌وقفه کار کرد که سرانجام با شعله کار، خود را سوزانید. طباطبایی روحی سرکش بود که در بدنی بیمار گرفتار آمده بود، ولی شاید به تنها چیزی که نمی‌اندیشید به بدن بیمار خودش بود... طباطبایی در طول ۴۸ سال زندگی خود به دریایی می‌مانست که لحظه‌ای از خروشیدن باز نایستاد و سرانجام نیز موج خروشان‌ی که در درون داشت او را با خود برد.»^۱

استاد علی صلح‌جو، مترجم و ویراستار، و از دوستان و همکاران دکتر طباطبایی در مرکز نشر دانشگاهی، می‌نویسد:

«... آنهایی که از نزدیک با زندگی... طباطبایی آشنا بودند می‌دانند که او یک دم از تحقیق باز نمی‌ایستاد و درحقیقت تمام زندگیش را وقف کارهایش کرده بود. دوست داشت کارهای اساسی و ماندنی انجام دهد. از عمق اطلاعات خود آگاه بود و کارهای اساسی زیادی، در زمینه فرهنگ‌نویسی و زمینه‌های گوناگون زبان‌شناسی در برنامه داشت. می‌دانست وقت تنگ است و کار زیاد و به همین سبب گاه بی‌اغراق شبانه‌روز کار می‌کرد. انتشار مجله زبان‌شناسی امید و شوق فراوانی در او ایجاد کرد. تنها کسی بود که در ماههای آخر انتشار مجله دست‌کم هفته‌ای دو بار سراغ آن را می‌گرفت و این کار را اغلب از نقاط دوردست، از اهواز، از کرمان، از سنندج و از تبریز انجام می‌داد. یک‌بار که از طریق تلفن سراغ انتشار مجله را می‌گرفت می‌گفت ده کیلومتر پیاده راه آمده است تا به تلفن راه دور دسترسی پیدا کند.

طباطبایی را از روی کارهایش نمی‌توان شناخت، چون که کارهای چاپ‌شده‌اش چندان نیست. به جرئت می‌توان گفت که تنها کسی بود که در ایران به اصول علمی فرهنگ‌نگاری تسلط کامل داشت. یادداشتها و مواد لازم را برای چندین تحقیق فراهم کرده بود... همیشه می‌گفت بهترین دوران شغلی‌اش همان دوران کوتاهی بود که در مرکز نشر دانشگاهی کار می‌کرد. هنگامی که در اوایل سال جاری به تجویز پزشک ممنوع‌التدریس شد، خوشحال شد، زیرا فکر می‌کرد حالا با وجدان راحت می‌تواند به تألیف و ترجمه بپردازد. اما متأسفانه... سرانجام بیماری او را از پای درآورد...»

۱. پیتز تراذگیل، زبان‌شناسی اجتماعی: درآمدی بر زبان و جامعه، ترجمه محمد طباطبایی، تهران، آگه، ۱۳۷۶، ص ۵ و ۶.

دکتر محمد طباطبایی: زندگی و آثار یازده

فقدان طباطبایی بدون تردید ضایعه‌ای است برای جامعه‌ی زبان‌شناسان و فرهنگ‌نویسان ایران.^۲

دکتر طباطبایی در ۲۷ مهر ۱۳۶۸ دچار سکته مغزی شد و در ۱۹ آبان ۱۳۶۸ در تهران درگذشت و در بهشت زهرای این شهر به خاک سپرده شد.

فهرست آثار

کتاب: تألیف

- فرهنگ لغات و اصطلاحات علمی (انگلیسی-فارسی). تهران: آسیا، ۱۳۴۲. ۱۷۴ ص.
- فرهنگ اصطلاحات پزشکی (جلد اول: فارسی-انگلیسی، فرانسه؛ جلد دوم: انگلیسی-فارسی؛ فرانسه-فارسی). تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱. ج ۱: بیست و سه + ۵۱۷ ص؛ ج ۲: ۷ + 420 + 315 ص. وزیری.
- فرهنگ اصطلاحات مدیریت (فارسی-انگلیسی، انگلیسی-فارسی). لاهیجان: مدرسه عالی مدیریت گیلان، ۱۳۵۲. ۹۰ + ۹۰ + ۱۶ ص. وزیری.
- فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی (فارسی-انگلیسی، انگلیسی-فارسی). [مشهد]: بنیاد فرهنگی رضوی، ۱۳۶۷. ۱۱۲ ص. وزیری.
- واژه‌نامه‌ی نجوم و احکام نجوم (فارسی-انگلیسی، انگلیسی-فارسی). تهران: فرهنگان، ۱۳۷۰. سی + ۱۲۸ + 118 ص. وزیری.

کتاب: ترجمه

- پیتر ترادگیل. زبان‌شناسی اجتماعی: درآمدی بر زبان و جامعه. تهران: آگه، ۱۳۷۶. ۲۶۴ ص. رقعی.

مقاله: تألیف

- «ترجمه کلمات از زبانی به زبان دیگر». وحید. سال سوم، شماره ششم، خرداد ۱۳۴۵. ص ۵۳۳-۵۳۵.

۲. مجله زبان‌شناسی، سال ۶، شماره ۱، دی ۱۳۶۸، ص ۱۲۰-۱۲۱.

«بررسی واژه‌های فرهنگستان». وحید. سال سوم، شماره هفتم، تیر ۱۳۴۵. ص ۵۵۸-۵۶۰.
«ترجمه لغات علمی». هفته‌نامه بامشاد. شماره ۱۲۰ (شماره مسلسل ۱۶۸۰)، ۳۱ مرداد ۱۳۴۵.
ص ۵.

«فرهنگ علمی و فنی». نشریه علمی و فنی سخن، سال هفتم، شماره یازدهم، اسفند ۱۳۴۷.
ص ۵۷۸-۵۸۰. (نقد و بررسی فرهنگ علمی و فنی، تألیف روبرت قوطانیان).
«فرهنگ لغات و اصطلاحات روان‌پزشکی و روان‌شناسی». نشریه علمی و فنی سخن. سال هفتم،
شماره دوازدهم، فروردین ۱۳۴۸. ص ۶۵۲-۶۲۶ (با همکاری غلامحسین صدری افشار). (نقد
و بررسی فرهنگ لغات و اصطلاحات روان‌پزشکی و روان‌شناسی، تألیف غلامرضا بهرامی و
عزالدين معنوی).

«فرهنگ کامل انگلیسی-فارسی». سخن، ماهنامه دانش و فن. سال هشتم، شماره هفتم، آبان ۱۳۴۸.
ص ۳۵۳-۳۵۵. (نقد و بررسی فرهنگ کامل انگلیسی-فارسی، تألیف عباس آریان‌پورکاشانی).
«بررسی و نقد واژه‌نامه شیمی». نشر دانش. سال سوم، شماره اول، آذرود ۱۳۶۱. ص ۲۲-۲۷. (نقد
و بررسی واژه‌نامه شیمی، تألیف گروه شیمی مرکز نشر دانشگاهی).
«غنای کوشش و فقر روش در فرهنگ نویسی». نقد آگاه در بررسی آراء و آثار. تهران: آگاه، ۱۳۶۲.
ص ۱۹۱-۲۱۸. (نقد و بررسی فرهنگ اصطلاحات نجومی (همراه با واژه‌های کیهانی در شعر
فارسی)، تألیف ابوالفضل مصفی).

«واژگانی با 'ویراستار' ولی ناویراسته». نقد آگاه در بررسی آراء و آثار. تهران: آگاه، ۱۳۶۳.
ص ۲۵۷-۲۹۱. (نقد و بررسی واژگان فلسفه و علوم اجتماعی (انگلیسی-فارسی)؛ گردآوری و
تدوین طیبه رئیس، با همکاری یونس محمدی، ویراسته داریوش آشوری، با دستیاری حسن
حسینی کلدجاهی).

«زبان و زبان‌شناسی». مجله زبان‌شناسی، سال چهارم، شماره اول و دوم، ۱۳۶۶. ص ۱۶۹-۱۷۵. (نقد
و معرفی کتاب زبان و زبان‌شناسی، تألیف الکساندر کوندراتوف، ترجمه علی صلح‌جو).
«روشهای مقابله زبان فارسی با واژه‌های علمی». زبان فارسی، زبان علم: مجموعه سخنرانیهای
دومین سمینار نگارش فارسی (۱۱-۱۴ شهریور ۱۳۶۳). تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.
ص ۱۷۱-۲۱۶.

«فرایند اتباع با تکیه روی اتباع در زبان فارسی». مجله علوم اسلامی-انسانی و ادبیات (دانشکده
ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز). شماره اول، بهار ۱۳۶۸. ص ۴۷-۶۲.

مقاله: ترجمه

کریل بولیچف. «دیداری از سمرقند و بخارای طلایی». وحید. سال چهارم، شماره سوم، اسفند
۱۳۴۵، ص ۲۳۷-۲۴۴.

دکتر محمد طباطبایی: زندگی و آثار سیزده

جی.دی. رانکلیف. «بناهای یکصد میلیون سال قبل از میلاد». نشریه علمی و فنی سخن. سال ششم، شماره پنجم، شهریور ۱۳۴۶، ص ۲۱۴-۲۱۶.

ماری اسکلودوسکا کوری. «سرگذشت من». نشریه علمی و فنی سخن. سال ششم، شماره دوازدهم، فروردین ۱۳۴۷، ص ۵۹۶-۶۰۳.

مارگارت لیلی. «جهان جنین». نشریه علمی و فنی سخن. سال هفتم، شماره دوم، خرداد ۱۳۴۷، ص ۸۹-۹۰.

«اسرار طول عمر». نشریه علمی و فنی سخن. سال هفتم، شماره سوم، تیر ۱۳۴۷، ص ۱۶۵.
«نبرد علیه دشمن دیرین یا کرم خوردگی دندان». نشریه علمی و فنی سخن. سال هفتم، شماره چهارم، مرداد ۱۳۴۷، ص ۱۸۸.

اریک فروم. «آیا ما فرزانه‌ایم؟». ویسمن. سال اول، شماره دوم، مهر ۱۳۵۲، ص ۲۱-۲۸.
_____. «آیا جامعه‌ای می‌تواند بیمار باشد؟ آسیب‌شناسی بهنجاری». ویسمن. سال اول، شماره سوم، آبان ۱۳۵۲، ص ۱۰-۱۷.

_____. «انسان در جامعه سرمایه‌داری». ویسمن. سال اول، شماره چهارم، آذر ۱۳۵۲، ص ۴۹-۵۴؛ شماره پنجم، دی ۱۳۵۲، ص ۴۱-۴۸؛ شماره ششم و هفتم، بهمن و اسفند ۱۳۵۲، ص ۳۶-۴۲؛ شماره هشتم و نهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۳، ص ۲۳-۲۹.
ویلم ماتسیوس. «کارنامه دهساله مکتب پراگ». مجله زیان‌شناسی. سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۶۴، ص ۱۹-۳۲.

اوا م. جریماس. «دوزبان‌گونگی در زبان فارسی». مجله زیان‌شناسی. سال چهارم، شماره اول و دوم، ۱۳۶۶، ص ۹۱-۱۱۲.

از زنده یاد طباطبایی چندین جزوه درسی (از جمله «واج‌شناسی» و «تاش [= تکواژ] شناسی») و نیز فیش‌ها و یادداشت‌های فراوانی از کارهای ناتمام (از جمله فرهنگ اصطلاحات اسلامی و فهرست اسامی خاص اسلامی و ایرانی) بر جای مانده است.

به یاد پدر

کتاب شانزده گفتار در واژه‌سازی و زبان فارسی و فرهنگ‌نویسی شامل مجموعه‌نوشتارهایی به قلم پدرم، زنده یاد دکتر سید محمد طباطبایی، است که، در آستانه بیست و ششمین سال درگذشت آن مرحوم، به همت آقای احمد خندان منتشر می‌شود که جا دارد صمیمانه از ایشان به پاس تلاش در راه اعتلای فرهنگ و زبان فارسی و زنده نگاه داشتن یاد دکتر طباطبایی سپاسگزاری نمایم. مدتی را بی‌وقفه صرف مطالعه دقیق نمونه پیش از چاپ کتاب حاضر نمودم و کنارش ننهادم تا تمام نشد. و تازه وقتی که نگاه از صفحاتش برگرفتم انگار که همانند فیلمی همه این بیست و چند سال به همراه ملغمه‌ای از احساسات تلخ و شیرین از برابر چشمانم گذشت.

من که در پدرم جز صداقت و بی‌پیرایگی، صراحت لهجه و جدیت، دقت و سواس‌گونه و کمال‌گرایانه، احساس مسئولیت آشتی‌ناپذیر، ترجیح اخلاق حرفه‌ای به تعلقات شخصی و نهایتاً عشقی خستگی‌ناپذیر به میهن و زبان فارسی، چه به تجربه شخصی و چه در خاطرات دوستان و نزدیکانش، سراغ نکرده بودم، البته عجیب نبود که از مکتوبات و آثار به جا مانده هم با گذشت این همه سال همین رایحه به مشامم برسد. هرچند مرور شریطی که بر وی گذشت، خصوصاً طی سال‌های پس از درگذشتش و سکوتی که با تلاش برای گردآوری و تدوین این مجموعه از مقالات وی درهم شکست، مرا پیش از پیش متأثر نمود.

من هرگز بر این گمان نبوده‌ام که جایگاه پدرم با توجه به دوران کوتاه عمر او، آن‌چنان استثنایی بوده است که نیازمند آندست ستایش‌های مألوف و معمول بزرگان باشد. چه، نه خود چنین خواسته‌ای داشت و نه کم بودند بزرگانی که در راه تحقق اهداف و رؤیاهای حرفه‌ای خود از جان و مال و عمر خویش گذشتند. اما همیشه گمانم این بود که روزگار به از این هم می‌شد با این عاشق پرتلاش و دل‌خسته میهن و زبان فارسی سرکند که نکرد (چه پیش از درگذشتش و چه سال‌های پس از آن). با مطالعه دقیق مجموعه مقالات حاضر، که اگر همت گردآورنده آن نبود، هیچ‌گاه مرور مکتوبات پدر با نگاه و تجربه متفاوت امروزی‌ام میسر نمی‌شد، انگار باران رحمتی بارید و هرچه گلایه از نبودن‌های وی داشتم شست و برد و به جایش طمأنینه‌ای نشاناد و نوعی رضایت به داده.

رضایت و طمأنینه‌ام از آن روست که دریافتم محمد طباطبایی هم با به کار انداختن ذهن و جان و عمر و توان خویش در عرصه‌ای بس دشوار و صعب، در عمل به جمع دانایانی پیوست که سازندگان راستین این سرزمین بودند، و در حد توان خود به پرورش دانش و آفرینش والایی و دانایی مبادرت ورزید و در زمره آنانی قرار گرفت که در اعصار یخبندان اندیشه و تفکر، به میهن خویش و اعتلای فرهنگ و زبانش اندیشیدند و به سهم خود تلاش نمودند تا بهار را در این عرصه مژده دهند. هرچند سرنوشتی که برگزید (پیگیری مجدانه تحقق رؤیاها و اهداف والایش، با وجود بیماری) هر لحظه بیشتر او را به سوی مرگ می برد. با وجود این تا زمانی که، پشت میز کار در میانه کتابخانه اش، سکنه کرد و به فاصله کوتاهی مرگ نفسش را گرفت، حتی یک لحظه از پای نایستاد. او سرانجام در آبان ماه ۱۳۶۸ و در چهل و هشت سالگی تسلیم مرگ شد. باشد که چنین پایمردی و ایستادگی در راه تحقق هدف، معیار و الگوی آیندگان قرار گیرد. روحش شاد و یادش گرامی.

پدرام طباطبایی

مهرماه ۱۳۹۴

اختصارات

فارسی	English	اختصارات
صفت	adjective	<i>adj.</i>
صفت تفضیلی	comparative	<i>comp.</i>
مؤنث	feminine	<i>f. or fem.</i>
حالت اضافه	genitive	<i>gen.</i>
مذکر	masculine	<i>m. or masc.</i>
اسم	noun	<i>n.</i>
اسم مؤنث	noun, feminine	<i>n.f.</i>
اسم مؤنث جمع	noun, feminine plural	<i>n.f. pl.</i>
اسم مذکر	noun, masculine	<i>n.m.</i>
اسم مذکر جمع	noun, masculine plural	<i>n.m. pl.</i>
خنثی	neuter	<i>neut.</i>
حالت فاعلی	nominative	<i>nom.</i>
جمع، ج	plural	<i>pl. or plur.</i>
صفت مطلق	positive degree	<i>posit.</i>
مفرد	singular	<i>sing.</i>
صفت عالی	superlative degree	<i>superl.</i>
فعل	verb	<i>v.</i>

بخش اول

واژه‌سازی و واژه‌گزینی

ترجمه کلمات از زبانی به زبان دیگر*

منظور از بحث درباره ترجمه عاریتی (loan-translation) نشان دادن اهمیت آن و استفاده‌ای است که امروزه از آن در بیشتر زبان‌ها، جهت برگردان واژه‌های علمی و غیره به زبان ملی، صورت می‌گیرد. ابتدا به بررسی ترجمه عاریتی و نمونه‌هایی از آن در زبان‌های اروپایی، عربی و فارسی پرداخته، سپس پیشنهادهای خود را در این زمینه در مقاله‌ای دیگر با ذکر نمونه‌هایی مطرح خواهم ساخت.

به طور کلی ترجمه عاریتی عبارت است از ترجمه اجزای تشکیل دهنده یک کلمه از زبانی به زبان دیگر. برای نمونه کلمه یونانی sun-éjdesis را در نظر می‌گیریم که از دو جزء sun- (= هم) و éjdesis- (= دانش، علم) درست شده که در زبان‌های رومی به con-scientia، در زبان گوتیک به miθ-wissi، در آلمانی به Ge-wissen، در فرس قدیم به sam-wit و بالاخره در روسی به so-vest ترجمه گردیده است که در تمام آنها جزء اول معنی «با، هم» و جزء دوم معنی «دانش، دانستن» را می‌دهد. در آلمانی Vonder-arm، در انگلیسی fore-arm و در فرانسه avant-bras وجود دارند که همگی ترجمه ante-brachium لاتین هستند که جزء اول معنی «جلو، پیش» و جزء دوم معنی «بازو» را دارد. همین‌طور Nach-mittag آلمانی، after-noon انگلیسی و après-midi فرانسوی نیز ترجمه post meridiem لاتین هستند که جزء اول معنی «پس از» و جزء دوم معنی «ظهر» را می‌دهد.

از زبان‌های اروپایی شاید بتوان گفت که آلمانی بیش از دیگر زبان‌ها به این امر اهمیت می‌دهد، چنان‌که برای واژه‌های: تلفن telephone، مثلث triangle و تلویزیون télévision، که دیگر جنبه بین‌المللی پیدا کرده‌اند، معادل‌هایی چون: fernsprechen، dreieck و fernsehen

دارد. در زبان انگلیسی نیز کوشش‌هایی در این جهت ولی به مقیاس کمتری صورت گرفته از جمله در مورد کلمات زیر:

chino-coris	=	bed-bug	ساس
xyl-ose	=	wood-sugar	قند چوب
fruct-ose	=	fruit-sugar	قند میوه
pedi-luvium	=	foot-bath	پاشویه
biliary-calculus	=	gall-stone	سنگ صفرا
mega-phone	=	loud-speaker	بلندگو
pulvio-meter	=	rain-gauge	باران‌سنج

مترجمین اسلامی در ترجمه کتب یونانی به عربی به این موضوع توجه داشته‌اند. نگاهی به بعضی از واژه‌های پزشکی، گیاهی و هیئت این مطلب را روشن می‌کند. مثلاً نوعی بیماری وجود دارد که انسان هر قدر می‌خورد باز هم احساس گرسنگی می‌کند که به عربی آن را جوع البقر می‌گویند. این کلمه ترجمه bou-limos یونانی است که قسمت اول معنی «گاو» و قسمت دوم معنی «گرسنگی» را می‌دهد. لسان‌الکلب که اسم گیاهی است نیز ترجمه cyno-glossos یونانی است که قسمت اول معنی «سگ» و قسمت دوم معنی «زبان» را می‌دهد و در فرانسه langue de chien، در انگلیسی hound's tongue و در آلمانی hundzunge می‌گویند. کلمه بین‌النهرین نیز ترجمه دقیقی است از کلمه یونانی meso-potami-a که قسمت اول به معنی «میان»، قسمت دوم به معنی «رودخانه» و قسمت سوم علامت جمع است. لسان‌الثور نیز ترجمه bouglossos است که جزء اول معنی «گاو» و جزء دوم معنی «زبان» را می‌دهد و به انگلیسی bugloss، به فرانسه langue de boeuf و به آلمانی ochsenzunge می‌گویند. موضوعی که در این ترجمه‌ها به خصوص ترجمه عربی آن رعایت شده جنس «گاو» است زیرا bous در یونانی به معنی «گاو نر» است که به عربی «ثور» می‌گویند. واژه‌های «دب اکبر»، «دب اصغر»، «کلب اکبر»، «کلب اصغر»، «سرطان»، «اسد» و «رامی» که در هیئت به کار می‌روند همه ترجمه از یونانی می‌باشند و صورت لاتین آنها به قرار زیر است: Ursa major، Ursa minor، Canis major، Canis minor، Leo، Cancer، Sagittarius. این نوع ترجمه هنوز هم در زبان عربی متداول است چنان‌که duodenum به معنی «دوازدهه» را به «اثنی عشر»، rectum به معنی «راست» را به «مستقیم» و venter به معنی «بردار» را به «حامل» ترجمه کرده‌اند و «بطین» و «اذین» را که مصغر «بطن» و «اذن» هستند معادل ventricle و auricle که مصغر venter = شکم و auris = گوش می‌باشند قرار داده‌اند.

ترجمه کلمات از زبانی به زبان دیگر ۵

به علت خویشاوندی زبان فارسی با دیگر زبان‌های هندواروپایی، می‌توان ترکیبات همانندی را در این زبان‌ها یافت. در فارسی «شب‌آهنگ» به معنی «بلبل» به کار می‌رود، در انگلیسی night-ingale و در آلمانی nachti-gall وجود دارد. جزء اول هر سه کلمه یک معنی را می‌دهد: «آهنگ» در فارسی به معنی «آواز» است و gale- و gall- نیز از فعل Galan به معنی «آوازخواندن» گرفته شده‌اند. یا کلمه «آفتاب‌گردان» را به یونانی helio-tropion و به آلمانی sonnenwende و به انگلیسی turnsole می‌گویند که در تمام آنها دو جزء «خورشید، آفتاب» و «گشتن» وجود دارد.

تعدادی از لغات علمی که سابق بر این داشته‌ایم، از زبان‌های دیگر و با واسطه عربی ترجمه شده‌اند، چنان‌که «سگ‌زبان»، «گاو‌زبان»، «زبان‌گنجشک»، «بره»، «خرچنگ» و «خوشه» که ترجمه‌ای از «لسان‌الکلب»، «لسان‌الثور»، «لسان‌العصفور»، «حمل»، «سرطان» و «سنبله» می‌باشند. بسیاری از ترکیبات جدیدی که در فارسی، به‌ویژه در علوم و پزشکی، داریم ترجمه‌ای است که مستقیماً از زبان‌های دیگر صورت گرفته، از جمله کلمات زیر:

سیب‌زمینی la pomme de terre

راه آهن le chemin de fer

آسمان‌خراش gratte-ciel

موج‌شکن brise-lame

سالگرد anniversary

درشت‌نی = قصبه کبری canna major = tibia

نازک‌نی = قصبه صغری canna minor = fibula

به‌طور کلی این‌گونه ترجمه در زبان فارسی ممکن است با حذف اضافه، مثلاً «زبان‌گنجشک» برای «لسان‌العصفور»، یا با قلب کلمه، مانند «سگ‌زبان» برای «لسان‌الکلب» و یا قیاس، مانند «پادتن» برای anticorps به قیاس «پادزهر» antitoxine، توأم باشد. در مقاله بعدی^۱ واژه‌هایی را که بر این اساس توسط فرهنگستان ساخته شده با ذکر نمونه بررسی می‌کنیم.

۱. منظور مقاله «بررسی واژه‌های فرهنگستان» است که در همین مجموعه آمده است. گ.

بررسی واژه‌های فرهنگستان*

یکی از راه‌هایی که فرهنگستان برای ساختن معادل‌های فارسی واژه‌های خارجی برگزید، همین ترجمه عاریتی (loan-translation) بود. بررسی چند واژه از ساخته‌های فرهنگستان این موضوع را به خوبی روشن می‌سازد: «آذر سنج» ترجمه کلمه pyro-meter است که جزء اول آن به معنی «آتش» و جزء دوم معنی «اندازه گرفتن، سنجیدن» را دارد. همین‌طور «برگچه»، «شکمچه» و «برچه» ترجمه‌هایی از ventri-cle, foli-ole و carp-el هستند که جزء اول آنها به ترتیب به معنی «برگ»، «شکم» و «میوه» است و جزء دوم آنها علامات تصغیر می‌باشند. سه کلمه cecum و jejunum, rectum که به ترتیب معنی «راست»، «خالی» و «کور» را می‌دهند، چون نام قسمت‌هایی از روده هستند، به «روده راست»، «روده تهی» و «روده کور» ترجمه شده‌اند و به کلمه اخیر در انگلیسی نیز blind gut می‌گویند که gut معنی «روده» را دارد. در واژه‌های «تخم‌دان» ovary و «تخمک» ovule جزء اول به معنی «تخم» و ary- در کلمه اولی مکان را می‌رساند و ule- در کلمه دومی علامت تصغیر است. البته علاوه بر فرهنگستان عده‌ای نیز به‌طور پراکنده در این زمینه کوشش‌هایی به عمل آورده‌اند که محدود به تعداد خیلی کمی واژه می‌شود، مانند: «زه‌دانچه» utri-cule، «نہان چشمی» crypto-phthalm-ia، «فام‌تن» chromo-some، «ریزیر» micro-tome، «قرنیه‌بین» kerato-scope، «گویچه» glob-ule، «پادتن» anti-body و «بزرگی لب» macro-cheil-ia که اغلب آنها خالی از اشتباه نیستند. ایرادی که می‌توان به بعضی از این گونه ترجمه‌های فرهنگستان گرفت این است که یک جزء معین در ترکیبات مختلف به صورت‌های متفاوت ترجمه شده‌اند، مثلاً پیشوند micro-

* و حید، سال سوم، شماره هفتم، تیر ۱۳۴۵، ص ۵۵۸-۵۶۰.

منظور «فرهنگستان ایران» است که در ۱۳۱۴ تأسیس شد. - م. گ.

در کلمه microscope «ریز» و در کلمه micrography به «خرد» ترجمه شده است. پسوند -شناسی گاهی به جای -logy- (مثلاً در انسان‌شناسی anthropology و پرتوشناسی radiology) به کار رفته و گاهی به جای -graphy- (مثلاً در سنگ‌شناسی petro-graphy و نژادشناسی ethno-graphy). اگر بخواهیم ترجمه دو کلمه اخیر را قبول کنیم در این صورت معلوم نیست petro-logy و ethno-logy را چگونه ترجمه کنیم، از طرفی این کلمات با هم مترادف نیستند تا یک ترجمه را برای هر دو کافی بدانیم چون که petrography درباره تشکیل سنگ‌ها و ترکیبات آنها بحث می‌کند در صورتی که petrology از مبدأ پیدایش سنگ‌ها و ساختمان آنها گفتگو می‌کند.

پیشنهاد برای ترجمه واژه‌های علمی

کلمات از نظر ساختمانی از یک یا چند جزء به نام مورفیم^۱ morpheme، که هر کدام دارای معنی و مفهوم خاصی است، تشکیل شده‌اند. مورفیم ممکن است گسسته یا پیوسته باشد، مثلاً در کلمه مردانه «مرد» یک مورفیم گسسته است زیرا به تنهایی معنی خاصی دارد و می‌توان آن را به کار برد، در صورتی که «-آنه» مورفیم پیوسته است و به تنهایی معنی خاصی ندارد. در ترجمه واژه‌های علمی از زبان‌های اروپایی به فارسی به این سه نکته باید توجه داشت:

۱. تعداد مورفیم‌ها و برگرداندن آنها با در نظر داشتن تفسیر آنها،
۲. نوع واژه از نظر دستوری، مثلاً اسم، فعل یا صفت بودن کلمه،
۳. قیاس از روی ترکیبات فارسی.

در ترجمه honeymoon به «ماه عسل» این نکته رعایت شده است. کلمه an-our-ous از سه مورفیم درست شده: an- که علامت نفی است، our- به معنی «دم» و -ous- که علامت صفت است. معادل آن در فارسی کلمه «بی‌دم» از دو مورفیم تشکیل شده است. علت این است که پیشوند «بی-» در فارسی هم برای نفی به کار می‌رود و هم اسم را به صفت تبدیل می‌کند. کلمه cyneco-mast-ist از سه مورفیم درست شده: مورفیم اول به معنی «زن» و مورفیم دوم به معنی «پستان» است و مورفیم سوم «مالکیت» را می‌رساند. چون در یونانی مضاف‌الیه قبل از مضاف قرار می‌گیرد، بنابراین مورفیم یک و دو یک ترکیب اضافی است که به فارسی «پستان زن» می‌شود، البته نوع اضافه تشبیهی است، یعنی پستانی به بزرگی پستان زن - همان‌طوری

۱. در دهه‌های اخیر، معادل «تکواژ» برای morpheme پذیرفته شده و جا افتاده است. -گ.

که در فارسی قد سرو یعنی قدی به بلندی سرو — حال اگر ترکیب اضافی را مقلوب کنیم و علامت اضافه را نیز حذف کنیم. مفهوم مالکیت در کلمه مستتر می‌شود، زیرا سرو قد به معنی کسی است که دارای قدی به بلندی سرو است. بنابراین با مقلوب کردن «پستان زن» به صورت «زن پستان» مفهوم مورفیم سه را در کلمه مستتر کرده‌ایم و مفهوم کلی کلمه این است: کسی که دارای پستان‌های بزرگ شبیه پستان‌های زن باشد.

با در نظر گرفتن نکات مذکور خواهیم توانست تعداد بی‌شماری از واژه‌های خارجی را در رشته‌های مختلف به فارسی روان برگردانیم. در زیر نمونه‌هایی از این واژه‌ها داده شده است. واژه‌هایی که در بالای خط داده شده‌اند آنهایی است که هم‌اکنون در فارسی متداول است و به کار می‌رود و بقیه با رعایت نکات مذکور ساخته شده است.

psychiatry	-trics	روان‌پزشکی	ot-algia	oto-dynia	گوش درد
teriatrics		دام‌پزشکی	cephal-algia	cephalc-dpnia	سر درد
ped-iatry	-trics	کودک‌پزشکی	mer-algia		ران درد
ot-iatry	-trics	گوش‌پزشکی	dors-algia		پشت درد
gyn-iatry	-trics	زن‌پزشکی	trachelo-dynia		گردن درد
derm-iiatrics		پوست‌پزشکی	omo-dynia		شانه درد
cyn-iatry	-trics	سگ‌پزشکی	hepat-algia		جگر درد، کبد درد
hemo-rrhagia		خون‌ریزی	a-bleps-ia		نابینایی
cholo-rrhagia		صفراریزی، زرداب‌ریزی	a-geus-ia		ناچشایی
blenno-rrhagia		مخاط‌ریزی	an-osm-ia		نابویایی
lochio-rrhagia		نفاس‌ریزی	an-acous-ia		ناشنوایی
			a-graph-ia		نانویسایی
			an-aph-ia		نابساوایی
anti-toxin		پادزهر	sporule		هاگچه
anti-emetic		پادمراس، ضد استفراغ	splenculus		سپر زچه، طحالچه
anti-biotic		پادزیست، آنتی‌بیوتیک	vesiculus		تاولچه

۱۰ شانزده گفتار در واژه‌سازی و زبان فارسی و فرهنگ‌نویسی

anti-febrile	پادتب	cellule	یاختک
anti-galactie	پادشیر	nodule	گرهک

علاوه بر اینها تعداد زیادی واژه هستند که از صفت، اسم، و «ی» علامت اسم معنی درست شده‌اند که در فارسی ما عیناً ترکیبات مانند آنها را داریم، مثل: تندخویی، تیزهوشی و کندذهنی.

micr-ot-ia	ریزگوشی	macr-ot-ia	درشت‌گوشی
micro-dactyl-ia	ریزانگشتی	macro-dactyl-ia	درشت‌انگشتی
micr-ophthalm-ia	ریزچشمی	macr-ophthalm-ia	درشت‌چشمی

hypo-hem-ia	کم‌خونی	hyper-em-ia	پرخونی
hypo-somn-ia	کم‌خوابی	hyper-somn-ia	پرخوابی
hypo-erg-ia	کم‌کاری	hyper-ergas-ia	پرکاری

osteo-malac-ia	نرم‌استخوانی	sclero-derm-ia	سخت‌پوستی
spleno-malac-ia	نرم‌سپریزی، نرم‌طحالی	sclero-trich-ia	سخت‌مؤنی
stomo-malac-ia	نرم‌دهانی	sclero-dactyl-ia	سخت‌انگشتی

xero-phthalm-ia	خشک‌چشمی	dys-em-ia	دژخونی
xcro-derm-ia	خشک‌پوستی	dys-somn-ia	دژخوابی
xero-cheil-ia	خشک‌لبی	dys-orex-ia	دژاشتهایی